



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

پیامدشناسی اجرت‌المثل کار خانگی زن و نقش آن در سیاست‌گذاری و توسعه تحکیم خانواده و افزایش جمعیت

زهرا سادات میرهاشمی[✉]۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. رایانامه: z.mirhashemi@alzahra.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	کار زن در خانه از نظر فقه اسلامی تکلیف نیست، بلکه فضیلتی است که اگر به صورت رایگان در اختیار خانواده قرار دهد مآجور خواهد بود و اگر زن بخواهد در قبال آن دستمزدی دریافت کند، شارع برای او حق مطالبه قرار داده است؛ ولی در فرهنگ عرفی حق زنان نادیده گرفته شده و در برخی موارد مطالبه آن قبیح دانسته می‌شود. پژوهش حاضر با هدف تبیین اثر و ارتباط سیاست‌گذاری در راستای اجرای حکم اخذ اجرت‌المثل خانه‌داری زن با توسعه استحکام خانواده و رفع مشکلات عدم استقلال مالی و پوچ‌انگاری فعالیت‌های زنان خانه‌دار انجام گرفت. تحقیق از نوع توصیفی و روش آن اسنادی است. مطابق نتایج، عدم ارزش‌گذاری و دستمزد برای خانه‌داری زن در عرف موجب بروز مشکلات عمده‌ای مانند احساس پوچی، افسردگی و خستگی و تمایل به فعالیت‌های اقتصادی خارج از محیط خانه و پیامدهایی از جمله کاهش فرزندآوری می‌شود؛ درحالی‌که با اجرای کامل و مدبرانه سیاستی که قانون‌گذار اسلام از قراردادن حق مطالبه اجرت‌المثل پیش گرفته است، از مشکلات عدم استقلال مالی زن در خانواده و پوچ‌انگاری فعالیت‌های زنان خانه‌دار پیشگیری و از این رهگذر استقلال و امنیت مالی برای زنان تأمین می‌شود و تمرکز زنان بر خانواده و تربیت فرزند را بیشتر خواهد کرد. به این ترتیب ضروری است براساس الگوی توسعه‌ای خانواده‌محور و افزایش جمعیت، سازوکار مناسب و بسترسازی فرهنگی برای اجرای کامل حکم اجرت‌المثل در نظر گرفته شود و براساس آن قانون‌گذاری شود.
تاریخ دریافت: تاریخ بازنگری: تاریخ پذیرش: تاریخ انتشار:	
کلیدواژه‌ها: اجرت‌المثل، استقلال مالی، تحکیم خانواده، خانه‌داری، سیاست‌های جمعیتی.	

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله. عنوان مجله، ۲ (۴)، ۲۰-۱.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

خانواده مقدس‌ترین نهاد از نظر شارع مقدس است که اعضای آن زیر چتر امنیت روحی و جسمی قرار می‌گیرند و زن مهم‌ترین عضو این نهاد به حساب می‌آید. در فرهنگ و عرف بسیاری از جوامع، زنان تمام یا بخش زیادی از زمان و انرژی خود را صرف انجام امور منزل و اداره و تربیت فرزندان می‌کنند.

انجام چنین فعالیت‌هایی براساس شرع و قانون وظیفه و تکلیف آن‌ها نیست، اما به‌طور معمول دستمزدی نیز برای آن مقرر نمی‌شود. بنابراین هیچ منفعت مستقیم مالی‌ای از این رهگذر برای آن‌ها حاصل نمی‌شود. در بسیاری از موارد به‌دلیل عدم استقلال مالی و عدم کسب درآمد اقتصادی به‌صورت مستقل، زنان برای رفع کوچک‌ترین نیازهای مالی خود در غیر حیطة نفقه نیازمندند و در بسیاری از این موارد پاسخی داده نمی‌شود یا در صورت اجابت، با منت از طرف زوج مواجه می‌شوند.

از طرف دیگر براساس تفکر اقتصادمدار حاکم بر جامعه جهانی امروز مبنی بر ارزش‌گذاری افراد براساس کسب درآمد بیشتر، در موضوع مورد بحث، زنان خانه‌دار با وجود انجام فعالیت‌های منزل، درآمدی ندارند و در برخی موارد حتی با بی‌توجهی و عدم قدردانی سایر اعضای خانواده و جامعه مواجه‌اند که این امر خود سبب عدم اعتمادبه‌نفس و نداشتن احساس ارزشمندی می‌شود و القای پوچ‌انگاری فعالیت‌ها را به دنبال دارد. این امر در برخی تحقیقات میدانی منعکس شده است (Jahanshahloo, 2016; Hoseinpour, & Alizadeh, & Abaszadeh, 2021). درحالی‌که در فقه و قانون ما برای انجام کارهایی که زن در خانه انجام می‌دهد، حق مطالبه اجرت در نظر گرفته شده است؛ به‌طوری‌که در صورت اجرایی‌شدن این حکم، استقلال مالی زوجه محقق می‌شود. اما متأسفانه در فرهنگ عرفی، مطالبه اجرت نه‌تنها اجرا نمی‌شود، بلکه ناپسند شمرده می‌شود (Mirhashemi, 2023).

با توجه به حکم شارع مقدس در خصوص امکان مطالبه اجرت‌المثل، این سؤال مطرح می‌شود که جایگاه سیاست‌گذاری در حمایت از اجرای کامل احکام شرعی به‌خصوص مسئله اجرت‌المثل در رفع پوچ‌انگاری فعالیت‌ها و عدم استقلال نسبی مالی زنان خانه‌دار و پیامدهای دیگر آن چیست؟ در راستای پاسخ به سؤال، ضروری است ابتدا جایگاه سیاست‌گذاری در حمایت از حکم شرعی پرداخت اجرت‌المثل بررسی شود.

۲. پیشینه پژوهش

بحث «اجرت‌المثل در ایام زوجیت» مورد توجه پژوهشگران متعددی بوده است که در چند گروه قابل‌ارزیابی هستند. برخی بر مبنای فقهی و حقوقی آن متمرکز شده‌اند مانند پژوهش پورعبدالله و سرخ‌حصاری (۲۰۱۶)، کاظمی (۲۱۲) و قاسم‌زاده و مرادی (۱۳۹۴) و برخی دیگر این موضوع را از منظر حقوقی و قانونی مطالعه کرده و به تبیین شرایط استحقاق آن در قانون پرداخته‌اند (مانند حاتمی و زبرجد، ۲۰۱۵). عده‌ای نیز به نقد برخی از آرای محاکم پرداخته‌اند (مانند انصاری پور و صادقی‌مقدم، ۲۰۰۵). گروه دیگر، پژوهش‌های میدانی است که به تبیین مشکلات و پیامدهای عدم پرداخت اجرت و عدم استقلال مالی از این رهگذر پرداخته‌اند، اما در هیچ‌کدام از این مقالات، جایگاه و اجرای پرداخت اجرت‌المثل و فرهنگ‌سازی آن در رفع مشکلات زنان و ایجاد ارتباط بین حق مطالبه آن از طرف شارع و رفع مشکلات زنان در این خصوص مطالعه نشده است.

۳. روش و ساختار پژوهش

در پژوهش حاضر ابتدا به‌صورت مختصر، به ماهیت اجرت‌المثل از نظر شرعی و قانونی و حق مطالبه آن پرداخته شد. سپس پیامدها و مشکلات عدم اجرای کامل حکم شرعی پرداخت اجرت و عدم استقلال مالی از این رهگذر در خصوص زنان خانه‌دار مطالعه شد و درنهایت، با توصیف و تحلیل و گردآوری مطالب به‌صورت کتابخانه‌ای، رابطه حکم مطالبه اجرت‌المثل و فلسفه و سیاست فقه اسلامی در اجرای این حکم در پیشگیری و حل مشکلات بررسی شد. پیشنهادهایی نیز برای رسیدن به مطلوب طرح خواهد شد.

۴. یافته‌های پژوهش

در متون اسلامی، خانه‌داری فعالیتی ارزشمند است و از نظر فقه اسلامی تکلیف زن نیست، بلکه فضیلتی است که اگر بخواهد به‌صورت رایگان در اختیار همسر و فرزندان قرار دهد نزد خدا مأجور خواهد بود و اگر بخواهد، همچون سایر فعالیت‌های اقتصادی در قبال آن دستمزدی دریافت کند، شارع برای او حق مطالبه‌ای با نام اجرت‌المثل ایام زوجیت قرار داده است. در بین حقوق مالی زنان در اسلام، اجرای حکم اجرت‌المثل کار خانگی زن، تأمین و استقلال مالی را برای زنان به دنبال دارد. به‌رغم اهمیت خانه‌داری در اسلام، متأسفانه در عرف، فعالیت‌های خانه‌داری بی‌ارزش تلقی می‌شود و با وجود حق مطالبه اجرت از طرف شارع، طلب آن امری قبیح و ناپسند شمرده می‌شود. انجام فعالیت‌های منزل بدون دستمزد توسط زنان خانه‌دار، موجب بروز مشکلاتی همچون احساس بی‌اهمیتی و پوچی و خستگی و تمایل به فعالیت‌های اقتصادی خارج از محیط خانه و بی‌اعتمادی به کار آن‌ها در جامعه می‌شود و سلامت روحی و جسمی آن‌ها را به خطر می‌اندازد. از همین رو، براساس گزارش‌های تحقیقی، میزان افسردگی در زنان خانه‌دار بیشتر از زنان شاغل است.

۵. بحث

۵-۱. سیاست قانون‌گذار از وضع حکم اجرت‌المثل کار زن در منزل

در دین مبین اسلام، اهمیت نقش خانواده در ابعاد فردی و اجتماعی آن روشن است و زن در این بنیاد، نقش محوری و مهمی ایفا می‌کند؛ بنابراین حمایت از حقوق زن با تمام ابعاد شخصیتی و زندگی‌اش و در همه ابعاد طبیعی انسانی و معنوی، در اسلام مورد توجه است. یکی از این حقوق، استقلال اقتصادی به زن در اسلام است. همان‌طور که مردان در نتیجه کار و فعالیت استقلال مالی دارند، زنان نیز در نتیجه کار و فعالیت خودشان استقلال مالی دارند و می‌توانند هرگونه تصرفی در اموال خود داشته باشند. در اسلام، غیر از به‌رسمیت‌شناختن اختصاص درآمدهای زنان از فعالیت‌های اقتصادی به خود آنان، سازهایی نظیر مهریه، نفقه و اجرت‌المثل با کارکرد تأمین اقتصادی زنان در خانواده وجود دارد.

از جمله حقوقی که شارع مقدس برای زندگی زن و به‌منظور تأمین اقتصادی زن در حیطه خانواده به رسمیت می‌شناسد، اجرت خدماتی است که زن در منزل شوهر انجام می‌دهد، بدون اینکه از نظر شرعی یا به‌موجب قانون، وظیفه‌ای در قبال آن داشته باشد؛ بنابراین اجرت‌المثل از ابواب فقهی مرتبط با موضوع تأمین اقتصادی زنان خانه‌دار است که برخلاف نفقه، ابزاری برای تأمین اقتصادی خاص فعالیت خانه‌داری است. البته به این مسئله در فقه امامیه به‌طور مستقل و مبسوط پرداخته نشده و به‌صورت پراکنده، بعضی مصادیق همچون شیردادن فرزند بیان شده است (Yamarli, 2019)؛ بنابراین برای شناخت اینکه اجرت‌المثل به چه اموری تعلق می‌گیرد و برای شناخت مبانی فقهی آن، ابتدا مفهوم اجرت‌المثل را بیان می‌کنیم. سپس مبانی فقهی و حقوقی آن و وظایف شرعی زن در مقابل مرد را تبیین و در ادامه استحقاق اجرت را بررسی می‌کنیم.

۵-۲. مفهوم اجرت‌المثل از منظر فقهی و حقوقی

«اجرت واژه‌ای عربی و اسم است و جمع آن اجر (با ضم الف) است» (Vaseti Zabidi, 1993, Vol. 6: 13). کلمه اجرت در معنای دستمزد استعمال می‌شود و مزدبگیر را اجیر گویند. گاهی نیز به معنای پاداش و به معنای ثواب عمل، خواه دنیوی و اخروی، معنا می‌شود (Isfahani: 64) که ارتباطی به بحث ما در این پژوهش ندارد.

«در اصطلاح فقه، اجرت به معنای عوضی است که مستأجر در قبال استفاده از منفعت مال یا کار، به موجر یا اجیر می‌پردازد» (Mousavi Alkhomeini, 2007: 574). «اجرت به اجرت‌المسمی و اجرت‌المثل تقسیم می‌شود. اجرت‌المسمی مقدار اجرتی

است که در عقد بر آن توافق می‌شود یا پرداخت آن مبلغ در نزد طرفین عقد معین است» (Jafari Langroudi, 2006: 11).

«در تعریف اجرت‌المثل آمده است: اجاره‌بهایی است که پس از تمام‌شدن اجاره، از روی میزان اجاره و نظایر آن معین شود» (Amid, 2002, Vol. 1: 84). «برای اجرت‌المثل، در کتب فقه تعریف خاصی نیامده است، ولی از مجموع فتاوا می‌توان برداشت

کرد اجرت‌المثل اجرت متعارفی است که بدون تعیین از جانب طرفین عقد نسبت به عمل، بعد از انجام کار پرداخت می‌شود» (Toosi, 1958, Vol. 3: 250; Heli, 1987, Vol. 2: 456; Najafi, 1983: 336). در اصطلاح حقوقی نیز اجرت‌المثل تعریف خاصی ندارد، اما می‌توان از تقابل اجرت‌المثل با اجرت‌المسمی دریافت که اجرت‌المثل همان بدل اجرت منافی است که بعد از عمل پرداخت می‌شود (Katouzian, 2006, Vol. 3: 282).

۵-۳. مبانی فقهی و حقوقی اجرت‌المثل کار خانگی زن در منزل

در زمینه مبانی فقهی اجرت‌المثل ایام زوجیت و زندگی زناشویی می‌توان به قاعده احترام مال و عمل مسلمان اشاره کرد. براساس این قاعده که مستند به بنای عقلا و روایات است، هر کس به دستور دیگری عملی را انجام بدهد که آن عمل دارای اجرت است و عامل قصد تبرع نداشته باشد، به موجب و مقتضای احترام عمل مسلم باید اجرت کار او را پرداخت کرد (Yazdi, 1998, Vol. 5: 112; Khoei, 1997, Vol. 30: 391; Lankarani, 2001, Vol.4: 531).

همچنین قاعده ضمان استیفای عمل غیر و قاعده ما یضمن در استیفا از عمل غیر نیز مستند و مبنای حکم دانسته شده است. مستند و مبنا در خصوص حکم اجرت‌المثل ایام زوجیت در حقوق و قانون ایران به شرح زیر است. ماده ۳۳۶ قانون مدنی و تبصره الحاقی^۱ آن که به طور خاص درباره اجرت کارهای زوجه است، ناظر به استیفای از عمل غیر است که آمر به دیگری دستور انجام دادن کاری با اجرت می‌دهد و او نیز به این گفته پاسخ مثبت می‌دهد؛ در ماده ۳۳۷^۲ قانون مدنی نیز استفاده‌کننده با اذن صاحب‌مال از آن بهره می‌برد؛ یعنی نوعی تراضی صریح یا ضمنی درباره استیفای از مال وجود دارد و بر مبنای آن، قانون‌گذار استیفاکننده را ملزم به پرداخت اجرت‌المثل می‌داند.

همچنین بند الف تبصره^۳ ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق، تحت شرایطی به زوجه مطلقه حق داده است که اجرت‌المثل خدمات دوران زناشویی را مطالبه کند. در نهایت در ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، تعلق اجرت‌المثل به زن مطابق ماده ۳۳۶ قانون مدنی لازم‌الاجرا شناخته شد. علاوه بر این در بند ۸ ماده ۵۸ این قانون آمده است که قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق به جز بند ب نسخ شده است؛ بنابراین قانون مورد بحث، پرداخت اجرت‌المثل به زن را فقط مطابق ماده ۳۳۶ قانون مدنی می‌داند.

شایان ذکر است پیش از این براساس قانون طلاق، اجرت‌المثل منحصرأً مربوط به زمان طلاق دانسته می‌شد و با شرط عدم تقاضای طلاق از ناحیه زوجه، اجرت‌المثل پرداخت می‌شد. اما اکنون با توجه به ماده ۲۹ قانون حمایت از خانواده و ماده ۵۸ این قانون و همچنین مبنای بحث اجرت‌المثل ایام زوجیت یعنی تبصره ۳۳۶ قانون مدنی، دریافت اجرت‌المثل منحصر به زمان طلاق و تقاضای طلاق از طرف زوج نیست.

۵-۴. شرایط استحقاق اجرت‌المثل ایام زوجیت

در کتب حقوقی، درباره شرایط استحقاق اجرت‌المثل به تفصیل بحث شده است (Katouzian, 2006, Vol. 3: 497) که در موارد زیر خلاصه می‌شود: احراز انجام اعمال در دادگاه (Mohaghegh Damad, 2007: 501)؛ اجرت‌داشتن عمل در عرف (Heli,

۱. هرگاه کسی برحسب امر دیگری اقدام به عملی کند که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده یا آن شخص عادتاً مهبای آن عمل باشد، عامل مستحق اجرت عمل خود خواهد بود؛ مگر اینکه معلوم شود قصد تبرع داشته است.

۲. هرگاه کسی برحسب اذن صریح یا ضمنی، از مال غیراستیفا منفعت کند، صاحب‌مال مستحق اجرت‌المثل خواهد بود؛ مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده است.

۳. پس از طلاق در صورت درخواست زوجه مبنی بر مطالبه حق الزحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده است، دادگاه بدو از طریق تصالح نسبت به تأمین خواسته زوجه اقدام می‌کند و در صورت عدم امکان تصالح، چنانچه ضمن عقد خارج لازم، در خصوص امور مالی، شرطی شده باشد، طبق آن عمل می‌شود. در غیر این صورت، هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و نیز تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوءاخلاق و رفتار وی نباشد، به ترتیب زیر عمل می‌شود: الف) چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام‌گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌کند.

اجرت‌المثل کارهایی که خارج از وظایف زوجیت باشد؛ بنابراین در خصوص انجام اموری مانند حسن معاشرت یا تربیت فرزندان که جزء وظایف زوجین است، هیچ‌یک از آن‌ها به‌موجب انجام این اعمال، مستحق دریافت اجرت نخواهند بود؛ درحالی‌که بررسی‌های فقهی و حقوقی نشان می‌دهد انجام امور منزل و تدبیر آن جزو وظایف الزامی زن نبوده و قانون‌گذار حق مطالبه اجرت‌المثل را برای وی قرار داده است و می‌تواند در قبال آن‌ها اجرت دریافت کند؛ بنابراین با تأمل در آیاتی که اشتغال زنان و حق استقلال مالی را برای زنان به رسمیت می‌شناسد و با توجه به ادله فقهی و حقوقی استحقاق گرفتن مزد و حقوق در قبال کار و عمل، زنان خانه‌دار حق گرفتن اجرت‌المثل کارهای منزل را دارند.

۵-۵. وظایف و تکالیف زن در خانواده از منظر فقهی و حقوقی

کارهای زن در خانه را می‌توان در دو گروه دسته‌بندی کرد: کارهایی که انجام آن بر زن واجب است و در صورت سرپیچی و کوتاهی از آن، زن را ناشزه می‌شمارند و موجب سقوط حق نفقه وی می‌شود، مانند تمکین از شوهر (Mousavi Alkhomeini, 2006, Vol. 2: 323) و گروه دوم، کارهایی که وجوب و الزامی بر زن ندارد و مرد نمی‌تواند او را مجبور به انجام آن کند، مانند شیردادن به کودک. در فقه اسلامی هرچند زنان تکلیف الزامی به انجام امور گروه دوم ندارند، به انجام آن توصیه و تشویق شده‌اند.

۵-۶. تشویق زن در اسلام به انجام کارهای خانه بدون الزام

در کتب فقهی، زنان به انجام نقش‌های خانگی و مردان به انجام کار بیرون از خانه تشویق شده‌اند. برای زنان کارهای خانگی و پرورش فرزند و مادری و همسری، نقشی ارزشمند تلقی شده است. همچنان که در برخی آیات و روایات به این نقش اشاره شده است؛ برای مثال، قرآن مسئولیت شیردهی و حضانت فرزندان را در سال‌های اول به زن سپرده است (قرآن کریم، ۲: ۲۳۳). باین‌حال بر مادر کودک واجب نیست فرزند خود را به‌طور مجانی شیر دهد و می‌تواند در شرایط عادی براساس حکم فقهی برای شیردادن بچه تقاضای اجرت کند (Heli, 1992, Vol. 3: 101; Toosi, 1958, Vol. 5: 129).

همچنین در کتب فقهی به‌طور صریح آمده است که خدمت زن به شوهرش در زمینه لباس شستن، پخت نان و طبخ غذا و مانند آن شرعاً واجب نیست و انجام امور منزل از حقوق زوج بر زوجه نیست. البته در صورتی که زن این کار را تبرعی انجام دهد، نیکو شمرده شده است (Fazel Lankarani, 2001: 386). از نگاه قانون نیز کارهای منزل از قبیل تهیه غذا، شست‌وشوی لباس شوهر و به‌خصوص شیردادن به فرزند، مطابق با ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی، جزو تکالیف زوجیت نیست و تعهد زوجه به انجام آن تعهد اخلاقی است. در این ماده آمده است: «مادر مجبور نیست به طفل خود شیر بدهد، مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد.»

بنابراین اگر زن در خانه شوهر، علاوه بر وظایف الزامی، کارهایی نظیر آشپزی و نظافت خانه و شستن ظروف و البسه و شیردادن به فرزند و تربیت آن‌ها و... را انجام دهد، نه‌تنها در این خصوص وظیفه‌ای ندارد، بلکه براساس مبانی فقهی و حقوقی مستحق اجرت نیز هست (Sadeghi Moghaddam, 2005: 7).

در منابع روایی، روایات متعددی وجود دارد که جمع‌بندی آن توصیه و تشویق مؤکد زنان به انجام کار منزل است؛ برای مثال روایتی از نبی مکرم اسلام (ص) وارد شده که فرمودند: «المراه الصالحه احد الکاسیین؛ زن خوب یکی از دو عامل پیشرفت اقتصادی خانه است»، به این معنی که مرد در بیرون از خانه تلاش می‌کند و وسایل زندگی را تأمین می‌کند و زن نیکوسیرت و

باتدبیر در داخل خانه با مدیریت شایسته و صرفه‌جویی، کمک شوهرش است و از اموال او محافظت می‌کند. در روایاتی چنین زانی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی به‌شمار آمده‌اند (Majlesi, 1982, Vol. 76: 60).

در روایت دیگری چنین بیان شده است: «یک زن شایسته بهتر از هزار مرد ناشایست است؛ اگر زنی هفت روز (خالصانه) به شوهرش خدمت کند، خداوند تمام هفت درب جهنم را به روی او می‌بندد. او تمام هفت درب بهشت را برایش می‌گشاید تا از هر دری می‌خواهد وارد شود (Hor Ameli, B. Ta., Vol. 20: 172).

همچنین ام‌سلمه از حضرت رسول اکرم (ص) پرسید: کارکردن زن در خانه چه مقدار فضیلت دارد؟ حضرت فرمود: «هر زنی در خانه شوهرش چیزی را به قصد خدمت جابه‌جا کند، خداوند به او نظر رحمت می‌افکند و هر کس که خدا به او نظر رحمت افکند هرگز عذابش نخواهد کرد» (Majlesi, 2024, Vol. 103: 251).

پیامبر (ص) «هر زنی که به شوهرش آبی بنوشاند، برای او بهتر از یک سال روزه است که شب به عبادت مشغول باشد و برای هر بار نوشیدن آب به همسرش شهری در بهشت برای او ساخته می‌شود و شصت خطای او را می‌پوشاند» (Majlesi, 2024, Vol. 43: 92).

در این راستا روایاتی با این مضمون وارد شده‌اند که پیامبر (ص) دخترش را به کار و فعالیت در خانه تشویق می‌کرد و توصیه می‌کرد تا خود زن امور مربوط به خانه را به‌عهده بگیرد تا شوهر و فرزندان او، از محبت همسری و مادری او بیشتر برخوردار شوند (Jamili, 1996: 56-57). به‌نظر می‌رسد از آنجا که اعمال مورد اشاره در روایات فوق صرفاً وظایف اخلاقی‌اند و الزام و تکلیف شرعی ندارند، اقدام‌کننده از چنین منزلت و اجر و ثوابی برخوردار شمرده شده است؛ بنابراین، در اسلام آنچه بر زنان واجب است، حسن معاشرت با شوهر و اطاعت از او در امور زناشویی است (Makarem Shirazi, 2003, Vol. 2: 164, 167-334; Mousavi Alkhomeini, 2006, Vol. 2: 323). کارکردن زن در خانه شوهر واجب نیست و این وظایف صرفاً وظیفه اخلاقی و اجتماعی است. البته برای استحقاق نفقه و اجرت‌المثل خانه‌داری، زن باید ناشزه نباشد و به وظایف زناشویی خود عمل کند. به عبارت دیگر تمکین یعنی ادای خاص وظایف زناشویی از طرف زن و جزو وظایف واجب آنان به‌شمار می‌رود و سایر وظایف زنان جنبه اخلاقی و انسانی دارد (Maghsoudi, 2012: 85-91).

۵-۷. مشارکت در کارها در خانواده از منظر اسلام

خانواده نخستین هسته زندگی اجتماعی انسان است که بنیان آن صرفاً قرارداد اجتماعی نیست، بلکه مبتنی بر نیازی فطری و برخاسته از عمق روح انسان است. نیاز به سکونت و آرامش روحی بین دو جنس مخالف از طریق عقد و قراردادی خاص، نخستین حلقه زندگی اجتماعی را شکل می‌دهد و وظایف و نقش‌های ویژه‌ای را برای طرفین به ارمغان می‌آورد.

یکی از وظایف مهم اعضای خانواده در مشارکت در تأمین نیازهای مادی و معنوی است؛ مشارکت سبب تخفیف بار سنگین مسئولیت‌ها از دوش یک فرد می‌شود و فشارهای روانی ناشی از فردگرایی را به امنیت روانی و عاطفی حاصل از مشارکت‌پذیری تبدیل می‌کند. همچنین مشارکت به درک متقابل و همدلی بیشتر اعضای خانواده کمک می‌کند (Aghajani, 2002). تقسیم‌کار در خانواده رضایت خاطر افراد و ثبات نهاد خانواده را تأمین می‌کند. حتی برخی اندیشمندان غربی حوزه خانواده نیز بر خانه‌داری زن تأکید دارند؛ زیرا به نظر آن‌ها تنها در این حالت، کارایی منحصربه‌فرد خانواده تضمین می‌شود که سبب تربیت فرزندان در محیطی سرشار از اعتماد و مراقبت می‌شود (Ezazi, 2022: 119-120).

در آموزه‌های دینی نیز به این اصل توجه شده است؛ به‌عنوان نمونه در حدیث داریم که روزی رسول خدا (ص) وارد خانه دخترش زهرا شد و مشاهده کرد که دختر و دامادش هردو مشغول کارند و به کمک یکدیگر در کنار آسیاب دستی نشسته‌اند و به آردکردن می‌پردازند. پس از سلام و احوال‌پرسی فرمودند: اَیْکُمَا اَعْبَى؟ کدام‌یک خسته‌ترید تا من به‌جای او بنشینم و کار را به پایان برسانم؟! علی علیه‌السلام عرض کرد: یا رسول‌الله! دخترت فاطمه. رسول خدا (ص) در جای حضرت فاطمه (س) نشست و کار او را انجام داد» (Majlesi, Vol. 43: 50).

دو نکته در این گزارش قابل توجه است اول، همکاری و مشارکت حضرت علی (علیه‌السلام) با حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) در امور خانه و دیگری نحوه پرسش رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) که به‌طور مستقیم دختر خویش را مورد خطاب قرار ندادند. این نمونه می‌تواند درس بزرگی برای همه خانواده‌ها باشد (مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران، فاطمه پاره تن پیامبر، صص ۵۸-۵۹)؛ بنابراین آموزه‌های دین اسلام بر مشارکت مرد و زن در انجام امور خانه تأکید داشته است و همه بار مسئولیت را برعهده یک طرف قرار نداده است.

۵-۸. خانه‌داری زن از منظر عرف

در گذشته، فرهنگ جامعه، باور مردسالارانه را به منصفه ظهور رسانیده است و مطابق این عرف و فرهنگ جامعه و براساس فرهنگ‌پذیری سنتی، هنوز هم در خانه، طبخ غذا، نظیف خانه، مهمان‌داری، شست‌وشوی البسه و ظروف غذاخوری اعضای خانواده و به‌طور کلی اداره امور منزل را تکلیف زن می‌دانند (Mirhashemi, Samani, & Nademi, 2023). فرهنگ جامعه ما، هنوز هم اگر شام خانواده حاضر نباشد یا لباس فرزندان کثیف و آلوده به نظر آید، زن را مسئول می‌شمارند، همچنان که هرگاه معیشت خانواده فراهم نشود، مرد را مقصر می‌دانند (Nasser Katouzian, 2006: 238)؛ بنابراین نگاه عرف به وظیفه خانه‌داری و انجام امور منزل با نگاه فقه و احکام فقهی و حقوق موضوعه متفاوت است (Mirhashemi, Samani, & Nademi, 2022). در خصوص دلایل زنان برای پذیرش جبری این حکم عرفی و نقش اجتماعی، دلایل متعددی مطرح شده است؛ برای مثال گفته شده بعضی از زنان مردسالاری را قبول کرده و پذیرفته‌اند که مردان دارای امتیازاتی هستند که یکی از آن‌ها معافیت از کار خانگی است. بعضی دیگر از زنان نیز به جبر اجتماعی به‌عنوان عامل انجام کارخانه اشاره می‌کنند و عنوان می‌کنند چون همیشه از ابتدا زنان کارهای خانه را انجام داده‌اند، ما هم مجبوریم انجام دهیم (Badrimanesh & Sadeghi Fasai, 2015: 77).

۵-۹. مشکلات و پیامدهای ناشی از عدم سیاست‌گذاری در خصوص اجرای حکم پرداخت اجرت‌المثل ایام

زوجیت برای زنان خانه‌دار

خانه‌داری به‌عنوان یک نقش اجتماعی تعریف می‌شود؛ درحالی‌که در کشور ما خانه‌داری زن در خانواده، علی‌رغم ارائه خدمات مهم و ضروری شغل محسوب نمی‌شود. دلیل این مسئله این است که از این رهگذر درآمدی به‌صورت مستقیم حاصل نمی‌شود؛ بنابراین خانه‌داری به‌دلیل بی‌مزدبودن فعالیت‌ها و زحمات زنان مورد غفلت عامه مردم واقع شده است. نوع نگاه و تفسیر از نقش خانه‌داری زنان هم متفاوت است. این نقش گاهی محدودکننده زنان و گاهی سبب آرامش و سعادت آن‌ها معرفی می‌شود (Afrasiabi & Asadi, 2021)، اما آنچه خود زنان خانه‌دار درباره نقششان می‌پندارند و مشکلات و پیامدهای ناشی از عدم پرداخت اجرت‌المثل کار زن در منزل، موضوع مهمی است که در برخی تحقیقات به آن‌ها پرداخته شده و باید مورد توجه قرار گیرد؛ برای مثال در برخی تحقیقات، معایب زیر به‌عنوان مشکلات خانه‌داری طرح شده که مؤکد لزوم سیاست‌گذاری در خصوص اجرای حکم اجرت‌المثل کار زنان خانه‌دار است: عدم اختصاص مستمری بازنشستگی به زنان خانه‌دار؛ اجبار به انجام کارهای منزل حتی در دوران کهولت سن؛ افسردگی.

افسردگی: نتایج برخی تحقیقات حاکی از آن است که میزان افسردگی در زنان خانه‌دار بیشتر از زنان شاغل است. این موضوع نشانگر این است که کار دائم زنان خانه‌دار بدون دریافت دستمزد، موجب افسردگی بیشتر زنان خانه‌دار نسبت به زنان شاغل است. از نظر این تحقیقات، مهم‌ترین عامل بروز افسردگی در زنان خانه‌دار، احساس بی‌اهمیتی و پوچی و بی‌اعتمادی به کار آن‌ها در جامعه است. پیامد مهم این مسئله این است که وقتی زن خانه‌دار از نظر روحی مشکل داشته باشد، دلواپسی و سایر عوارض روحی خود را به افراد خانواده منتقل می‌کند و در کل، بازدهی جامعه در تمام شئون ممکن است کاهش یابد. اهمیت این مسئله زمانی آشکار می‌شود که بدانیم زنان و مادران نقش بسزایی در سلامت جسمی و روانی جامعه ایفا می‌کنند. در غالب مواقع نیز مادران، مسئول تأمین سلامت روحی و جسمی فرزندان هستند و اگر سلامت مادران دچار آسیب شود، خواه‌ناخواه اعضای خانواده نیز دچار آسیب می‌شوند (Jahanshahloo, 2016-2017).

بی‌ارزش قلمداد شدن کار خانگی: از جمله مشکلات مهم مطرح شده، نگاه منفی جامعه به ارزشمندی خانه‌داری است. برخی از زنان معتقدند اعضای خانواده و اجتماع و حکومت قدردان زحماتی که در خانه متحمل می‌شوند نیستند و حتی زحمات آن‌ها بی‌اهمیت تلقی می‌شود. در این تحقیقات، زنان معتقدند که حکومت هیچ‌گونه حمایت و مزیت اجتماعی برای خانه‌داری در نظر نمی‌گیرد و این خود سبب می‌شود زنان خانه‌دار دچار نوعی خلأ و بی‌هویتی شوند.

نبود استقلال مالی: از جمله نتایجی که برخی تحقیقات نشان می‌دهند این است که زنان شاغل و خانه‌دار، کار خانه را به کار واقعی تعریف می‌کنند و انتظاری که از کار دارند این است که ابتدا استقلال مالی و امنیت خاطر آنان را حفظ کند (Badrimanesh & Sadeghi Fasaii, 2015: 77-82).

پژوهشگران معتقدند زنان اغلب براساس شرایط اقتصادی، اجتماعی و لزوم دسترسی مستقیم به منابع مالی و مادی، میان خانه‌داری یا اشتغال بیرون از منزل انتخاب می‌کنند و به نظر می‌رسد زنان هنگامی که شاغل هستند، به دلیل آنکه به استقلال مالی می‌رسند، آرامش خاطر بیشتری دارند و همین آرامش خاطر تأثیر بسزایی بر روابط آن‌ها می‌گذارد که سبب رضایت زناشویی می‌شود. اما اشتغال زنان در بیرون از خانه برای رسیدن به هدف استقلال مالی، بروز مشکلاتی همچون فشار دوچندان بر زنان، کاهش فرزندآوری و آسیب‌های اجتماعی در محیط کار برای زنان را نیز دربرخواهد داشت (Zanjani & Baghiat, 2014).

۵-۱۰. عدم منافات طلب اجرت‌المثل با تعالی و ارزشمندی فعالیت‌های زنان خانه‌دار

بعضی معتقدند پرداخت اجرت‌المثل با حاکمیت معنوی در خانواده و تعالی و ارزشمندی فعالیت‌های زن در تنافی است و انجام کار زن در خانه در قبال دستمزد قابل‌پذیرش نیست و اظهار می‌دارند این امر موجب تحقیر و بی‌ارزش کردن شخصیت و اجر معنوی مادر می‌شود. این گروه بر این باورند که در الگوی مطلوب ارزش‌گذاری امور خانگی در اسلام، اجرت‌المثل از نظر اجرایی توصیه نشده است و در مقابل، تعهد اخلاقی مرد به جبران اقتصادی ایثار زن خانه‌دار جایگزین آن شده است. استدلال این گروه چنین است که اگر مرد براساس تعهدهای اخلاقی خود، نیازهای مالی زن را برآورده نسازد، روابط زن و شوهر از حالت معاشرت به معروف خارج و به فضای تجاری بدل می‌شود که هرکدام صرفاً به دنبال حق مادی خود است. این در حالی است که در اسلام، شکل‌گیری روابط زن و شوهر در خانواده بر پایه معاشرت به معروف، محبت و اخلاق ایجاب می‌کند موضوع تأمین اقتصادی نیز در عمل به‌جای مسیر حقوقی، در مسیر تعهدات اخلاقی حرکت کند.

البته این گروه نیز درنهایت، ضمانت اجرای تعهد اخلاقی مرد در قبال زن در این مورد را اجرای حق قانونی و شرعی زن به گرفتن اجرت‌المثل می‌دانند. به عبارت دیگر بیان می‌کنند که اگر مرد براساس تعهد اخلاقی خود، نیازهای مالی زن را برآورده نکند، زن برای رفع نیازهای اقتصادی شخصی و فراتر از عرف، در پی بهره‌مندی از حق شرعی و قانونی اجرت‌المثل خانه‌داری خود استفاده خواهد کرد و در این صورت، همان نظام فقهی-حقوقی محض پیاده می‌شود (Ghamami & Alavi, 2018: 45-47). همچنین باید توجه داشت که به‌طور قطع، این گروه نیز موافق این نظر هستند که تحقیر و بی‌ارزش کردن زن هنگامی اتفاق می‌افتد که کار خانه بی‌ارزش و وظیفه محتوم زن تلقی شود؛ درحالی‌که اگر به شغل خانگی-همان‌گونه که در اسلام ارزشمند است- ارزش گذارده شود، نه تنها مشکلات عمده روحی و جسمی زنان در خانه‌داری نیز منتفی می‌شود، بلکه وجود دستمزد برای کار خانه در صورتی که با رعایت شئون زن و فرهنگ‌سازی مناسب تقدیم زن شود، موجب می‌شود بسیاری از زنان، محیط خانه و کار خانه و تربیت فرزند خود را در اولویت قرار دهند (Badrimanesh & Sadegh Fassaei, 2015: 80-82).

باید توجه داشت که حتی در بحث عبادات استیجاری، بسیاری از فقها اخذ اجرت را منافی قصد قربت نمی‌دانند و استدلال‌های متعددی در عدم تعارض طرح می‌کنند (Toosi, Vol. 2: 120; Ansari, Vol. 2: 136-137; Kimia, 2019: 78-84) که توجه به این مسئله، به طریق اولی جای شبهه‌ای در امکان جمع اخذ اجرت‌المثل و نیت معنوی در انجام امور منزل باقی نمی‌گذارد.

بنابراین، سیاست‌گذاری در خصوص پرداخت بی‌منت اجرت‌المثل به زن خانه‌دار، زیرسؤال بردن تعالی عمل زن و بی‌ارزش کردن کار او در خانه نیست، بلکه می‌تواند با فرهنگ‌سازی، تجلیل از خودگذشتگی و ایثار زن تلقی شود و استقلال مالی و ایجاد امنیت اقتصادی به دست آمده از این رهگذر، برخی مشکلات مورد اشاره زنان خانه‌دار را برطرف کند.

۵-۱۱. سیاست حمایت از اجرای گسترده حکم اجرت‌المثل و نقش آن در پیشگیری و حل مشکلات زنان خانه‌دار

با توجه به احکام و ضوابط اسلامی در باب اجرت‌المثل و حق مطالبه آن، به وضوح می‌توان دریافت که نوع برخورد اسلام با خدمات خانه‌داری به‌عنوان شغلی مفید و دارای ارزش اقتصادی، حیاتی و مورد نیاز جامعه است. با وجود این، عرف و جامعه ما توجهی به این حکم و فلسفه آن نداشته و همواره مطالبه اجرت را امری قبیح می‌شمارد. در صورتی که فلسفه حکم مطالبه اجرت‌المثل مطابق با نیازهای زن است و خود از بروز مشکلات مطرح‌شده پیشگیری می‌کند؛ بنابراین با سیاست‌گذاری در خصوص نهادینه‌سازی اجرای حکم پرداخت اجرت‌المثل و تأمین اقتصادی نیازهای زنان خانه‌دار و ایجاد استقلال مالی، با فراهم آوردن شرایط از طریق سازوکارهای فرهنگی و اجتماعی و حکومتی به‌جای مطالبه حقوقی مستقیم اجرت‌المثل توسط زنان، می‌توان از بروز مشکلات تصور پوچی فعالیت‌ها، افسردگی و دیگر مشکلات ناشی از عدم پرداخت اجرت‌المثل جلوگیری کرد و شرایطی را به وجود آورد که در آن، زن خانه‌دار در کنار ایفای مؤثرتر نقش خود، از نظر مالی و روانی احساس خلأ نداشته باشد، بلکه به دلیل حمایت‌های مادی و معنوی همسر و دولت، سعی در تثبیت موقعیت خود در مقام زن خانه‌دار در راستای تحکیم بنیان خانواده کند (Ghamami & Alavi, 2018: 47).

۵-۱۲. اثر سیاست‌گذاری مناسب در راستای اخذ اجرت‌المثل کار زن در خانه بر تحکیم خانواده و افزایش جمعیت

در نظام اسلامی، خانواده و تحکیم آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و الگوی خانواده‌محور به این مفهوم است که تمامی سیاست‌گذاری‌ها و قوانین باید در جهت حمایت از حفظ خانواده تدوین و قانون‌گذاری شود؛ چنان‌که اصل دهم قانون اساسی بر این امر تأکید کرده است و تصریح می‌کند از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مرتبط با آن باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده و پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

در این الگوی مطلوب نظام اسلامی، زن محور و ستون اصلی خانواده است و دو وظیفه مهم مادری و همسری را برعهده دارد که ایفای مطلوب آن در نقش خانه‌داری متبلور می‌شود و تحقق کامل آن منوط به فراهم‌شدن الزامات و احقاقی حقوق، از جمله در حوزه مالی است که برعهده همسر و نیازمند سیاست‌گذاری صحیح و حمایت دولت است (Hosseini Akbarnejad, 2020)؛ بنابراین به دلیل اهمیت خانواده، حکومت موظف است بر فعالیت‌هایی نظیر خانه‌داری که دین برای زنان ارزشمند می‌داند، در سیاست‌گذاری‌های خود تأکید ورزد و از سیاست‌های تشویقی و حمایتی در ارتباط با خانه‌داری استفاده کند، اما در عمل و با نگاه به قوانین کشور، آنچه در زمینه فعالیت‌های زنان ارزشمند تلقی و متناسب با آن سیاست‌گذاری می‌شود، اشتغال زنان است و در خصوص موضوع ارزش فعالیت‌های زنان خانه‌دار و اخذ اجرت‌المثل زنان خانه‌دار در تحکیم خانواده، هیچ اقدام اثرگذاری صورت نگرفته است.

در حقیقت، تعارض فعالیت‌های اقتصادی خارج از محیط خانه با مسئولیت‌های خانواده، نوعی تعارض بین‌نقشی است که در آن فشار پدیدآمده از نقش‌های کاری از هر سو، ناهمساز است و چنانچه نقشی برای فرد منافع بیشتری داشته باشد، فرد وقت بیشتری برای آن می‌گذارد و تعهد بیشتری به آن دارد که به تداخل در نقش‌های دیگر منجر می‌شود (Beutell & Greenhaus, 1985: 73). در این وضعیت، پیامدهای تعارض، بر خانواده و مناسبات آن مانند فرزندآوری نیز اثر می‌گذارد (Shabani Baha, 2021: 110). با توجه به اینکه در جامعه ایران، بیشترین بار مسئولیت خانه‌داری و نگهداری

از فرزندان بر دوش زنان است، هنگامی که آن‌ها به هر دلیلی زمانی را به کارکردن در بیرون از منزل اختصاص می‌دهند، در تطبیق کار با نقش‌های درون خانه، تعارض کار-خانواده ایجاد می‌شود (Mohammadi Moghadam, Moaiedi, & Keshtkar, 2015: 22). درواقع، گاهی برآوردن هرکدام از نقش‌ها با دیگری در تناقض است و این امر می‌تواند بر رفتار و نگرش زنان به فرزندآوری و حتی ازدواج اثر بگذارد.

نظریه پردازان در شرایطی که تعارض وجود داشته باشد، حمایت اجتماعی دریافت‌شده از کار یا خانواده را راهی برای کاهش آن می‌دانند و معتقدند اگر افراد حمایت اجتماعی منصفانه‌ای را از هم‌تایان خود دریافت کنند، به احتمال زیاد فشار منتج از تعارض نقش را ادراک نخواهند کرد، اما در شرایطی که هم انتظارات نقشی و خانوادگی و فشارهای زمانی و روحی در ارتباط با آن نقش زیاد شود و افراد با محدودیت مواجه شوند، به‌جای فرزندآوری سعی می‌کنند با اشتغال، فرزندآوری را به تأخیر اندازند یا فرزند کمتری به دنیا آورند (Khani, Daneshmehr, & Behzadinia, 2023). درحالی‌که براساس آنچه گفته شد، روشن است که سیاست‌گذاری و فرهنگ‌سازی در جهت حمایت از پرداخت اجرت‌المثل به زنان خانه‌دار (نه در زمان طلاق بلکه در طول زندگی مشترک) می‌تواند موجب رضایت زنان در زندگی و استحکام خانواده شود و با افزایش تمایل بیشتر زنان به امور خانه‌داری، فرزندآوری و تربیت فرزند، زمینه فرزندآوری بیشتر را فراهم کند. در این راستا رفع خلأهای قانونی موجود در جهت احقاق حقوق مالی زنان خانه‌دار و مادران که مستلزم نقش‌آفرینی مؤثر شوهر و نیز پشتیبانی همه‌جانبه دولت است، ضرورت دارد. همچنین باید توجه داشت که در روابط زن و شوهر در طول زندگی مشترک، اخلاق بیش از قواعد حقوقی حکومت دارد. در این رابطه سخن از عواطف انسانی، عشق، صمیمیت و وفاداری است و حقوق برای حکومت‌کردن بر آن ناتوان است. بر اتحاد معنوی زوجین، فقط اخلاق حکومت می‌کند و حقوق ناگزیر است به‌جای تکیه بر قدرت دولت، دست‌نیاز به‌سوی اخلاق و عادات اجتماعی و فرهنگ‌سازی دراز کند (Katouzian, 2006, Vol 1: 212).

۶. نتیجه‌گیری

اگر شغل خانه‌داری همان‌طور که در اسلام ارزشمند است ارزش‌گذاری شود، مشکلات عمده روحی و جسمی زنان در خانه‌داری مرتفع می‌شود. به‌نظر می‌رسد فلسفه حکم مطالبه اجرت‌المثل در شرع مطابق با نیازهای زن است و از بروز مشکلات زنان خانه‌دار پیشگیری می‌کند. علاوه بر آن، از این رهگذر استقلال مالی نسبی برای زنان حاصل می‌شود. در نتیجه آن‌ها از نظر مالی و روانی احساس پوچی نمی‌کنند و با حمایت‌های مادی و معنوی همسر و دولت، به‌طور مؤثرتر در راستای تحکیم بنیان خانواده عمل می‌کنند.

زنان خانه‌دار برای پرکردن خلأهای ناشی از عدم اهمیت و ارزش‌گذاری مادی و معنوی به کار منزل، به فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال خارج از منزل روی می‌آورند که موجب کاهش نرخ باروری خواهد بود؛ درحالی‌که با اجرای کامل سیاستی که قانون‌گذار اسلام (شارع) از قراردادن حق مطالبه اجرت‌المثل پیش گرفته است، از مشکلات عدم استقلال مالی زن در خانواده و پوچ‌انگاری فعالیت‌های زنان خانه‌دار پیشگیری می‌شود، استقلال و امنیت مالی زنان تأمین می‌شود و تمرکز زنان بر خانواده و تربیت فرزند را افزایش می‌دهد.

۷. پیشنهادها

در راستای اجرای حکم پرداخت اجرت‌المثل کار خانگی زنان در طول زندگی مشترک و نه فقط در زمان طلاق و رسیدن به نتایج مثبت آن، ضروری است براساس الگوی توسعه‌ای خانواده‌محور و افزایش جمعیت، سازوکار مناسب و بسترسازی فرهنگی جهت اجرای کامل حکم اجرت‌المثل در نظر گرفته شود و براساس آن قانون‌گذاری صورت گیرد. در این راستا باید به حمایت مادی و معنوی از خانه‌داری اقدام شود.

از جمله راهکارهای پیش‌روی حکومت و دولت برای اجرای حکم اخذ اجرت‌المثل، پرداخت دستمزد یا مقرری ماهیانه به زنان خانه‌دار از سوی دولت است. این امر حداقل از طریق پرداخت یارانه مستقیم زن خانه‌دار و اطفال و کودکان زیر ۷ سال به خود زن

قابل دستیابی است. همچنین پیشنهاد می‌شود که دولت، مانند حق عائله‌مندی که برای مردان در نظر می‌گیرد، چنین موارد و مقداری از درآمد مردان را به صورت مستقل به زنان خانه‌دار تخصیص دهد و از این طریق راه استنکاف مرد را ببندد. به این ترتیب تحقیر فعالیت زن و عدم ارزش‌گذاری کار زن برطرف و جایگاه و شأن زن حفظ می‌شود. همچنین همان‌طور که گفته شد، بسترسازی مناسب فرهنگی برای ارزش‌گذاری کار زنان از طرف دولت، اقدامی مناسب جهت تحکیم جایگاه زن در خانواده تلقی می‌شود. در این میان نقش رسانه ملی و نظام آموزشی کشور را نمی‌توان نادیده گرفت. با ارزش‌شمردن خانه‌داری سبب می‌شود زنان احساس پوچی و بی‌هویتی نکنند و قدرانی مردان و خانواده، زنان را به انجام کار خانه و از جمله فرزندآوری و تربیت فرزند ترغیب کند.

۸. تعارض منافع

در پژوهش حاضر تعارض منافی وجود ندارد.

References

Holy Quran

Afrasiabi, H., & Asadi Kouhenjani, F. (2021). Harmonization Challenges: Women's Interpretations of Homemaking. *Sociology of Social Institutions*, 7(16), 87-115.

<https://doi.org/10.22080/ssi.2021.3135> (In Persian)

Aghajani, N. (2002). Participation of family members. *Strategic Studies of Women*, 16, 25-64. (In Persian)

Amid, H. (2002). Amid's Persian dictionary (26th Ed.). (In Persian)

Ansari, Sh. M. (1994). *Ketab-Almakaseb*. Vol. 2. Torath Asheikh Alazam. (In Arabic)

Ansaripour, M. A., & Sadeghi Moghaddam, M. H. (2005). Remuneration for work done by a wife and the assessment of the relevant judicial decisions. *Modares Human Sciences*, 9(41), 1-24.

<https://sid.ir/paper/6979/en> (In Persian)

Badrimanesh, A., & Sadeghi Fasai, S. (2015). An interpretative study of the role of housekeeping. *The Women and Families Cultural-Educational*, 10(31). (In Persian)

Ezazi, Sh. (2022). *Sociology of family*. Tehran: Roshangaran Publications and Women's Studies.

Fazel Lankarani, M. (2001). *Alahkam Alvazehe*. Vol. 4. Qom: Fiqh Center of Alaeme Alathar. (In Arabic)

Ghamami, Z., & Alavi, S. Y. (2018). Islamic model of economic security for housewives. *Islamic Studies of Women and Family*, 5(8), 29-50. <https://www.jstor.org/stable/42909191> (In Persian)

Hatami, A. A., & Zebarjad, S. F. (2015). Equivalent wage of duality time and NIHLAH (gift) with a view of Family Supporting Act 1391. *Journal of Legal Studies*, 7(1), 59-98.

<https://doi.org/10.22099/jls.2015.3046> (In Persian)

Helli, H. (1998). *Judgment rules* (1st Ed.). Al-Nashar al-Islami Institute. (In Arabic)

Helli, M. (1987). *Book of Islamic laws on permissible and haram issues*. Vol. 2. (In Arabic)

Helli, H. Y. (1992). *Mokhtalef Al-Shie Fi Ahkam Al-Sharie* (2nd Ed.). Vol. 2. Tehran: Islamic Publishing Office. (In Arabic)

Hor Ameli, M. H. (No date). *Alvasael al-shiah*. Beirut-Lebanon: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Arabic)

Hoseinpour, F., Alizadeh, M. B., & Abaszadeh, M. (2021). Understanding the housekeeping as a Job and it's challenges from the perspective of housewives in Qom. *Social Development & Welfare Planning*, 12(46), 95-137. <https://doi.org/10.22054/qjssd.2021.57109.2076> (In Persian)

Hosseini Akbarnejad, H. (2020). A comparative study of the valuation of women's domestic work in islam and the practice of international institutions. *Women's Strategic Studies*, 22(88), 143-171.

<https://doi.org/10.22095/jwss.2021.276000.2621> (In Persian)

Isfahani, R. (No date). *Vocabulary in the strange Qur'an*. (In Arabic)

- Jafari Langroudi, M. J. (2006). *Legal terminology* (16th Ed.). (In Persian)
- Jahanshahloo, G. (2016-2017). Comparing the prevalence of depression in working women and housewives in Abik city. *International Conference on the Culture of Psychopathology and Education*. (In Persian)
- Jamili, S. (1996). *Orders of the Holy Prophet (PBUH) to girls and women* (2nd Ed.). Qom: Dar al-Fekr. (In Persian)
- Katouzian, N. (2008). *Introductory course of civil rights (legal events)* (14th Ed.). (In Persian)
- Katouzian, N. (2006). *Civil rights of the family* (7th Ed.). Tehran: Sahami Enteshar. (In Persian)
- Kazemi, Z. (2012). *Jurisprudential and legal studies of adequate payment during marital life and its applicability*. (In Persian)
- Mousavi Khoei, S. A. (1997). *Encyclopedia of Imam Al-Khoei*. Vol. 1. (In Arabic)
- Kimia, Z. (2019). Investigating The Fundamentals of legal issues of leasing worship from the viewpoint of khamseh's religion. *MA Thesis*. Alzahra University, Facult of Theology. (In Persian)
- Lankarani, M. F. M. (2003). *Interpretation of Sharia in explaining the liberation of the means of leasing* (1st Ed.). (In Persian)
- Maghsoudi, Morad(2012). Housewives fair equivalent, khorsandi Publish. First Edition. (In Persian)
- Majlesi, M. B. (1982). *Sailor of lights* (2nd Ed.). Vol. 43. Al-Wafa Foundation. (In Arabic)
- Makarem Shirazi, N. (2003). *Ketab Al-Nekah* (1st Ed.). Qom: Ali Bin Abitalib School. (In Arabic)
- Mirhashemi, Z. S., Samani, L., & Nademi, H. (2023). The conflict of custom culture with jurisprudence associated with women and its effect on the family lifestyle. *Woman Cultural Psychology*, 15(56), 47-59. (In Persian)
- Mirhashemi, Z. S., Samini, L., & Nademi, H. (2022). The contradiction in the wife's rights between the conventional view and the Islamic view. *Iranian Pattern of Progress*, 10(3). (In Persian)
- Mohaghegh Damad, S. M. (2007). *Book of rules of jurisprudence*. Islamic Sciences Publications. (In Persian)
- Moradi, K., & Ghasemzadeh, A. (2015). Wife's remuneration in Fiqh and Iranian laws, reviewing the family protection law. *Jurisprudence the Essentials of the Islamic Law*, 48(2), 301-317. <https://doi.org/10.22059/jjfil.2015.57169> (In Persian)
- Mousavi Khomeini, S. R. (??). *Book of Marriage, Saying about Disobedience*. Vol. 2. Tehran: Institution for Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works. (In Arabic)
- Mousavi Khomeini, S. R. (2006). *Tahrir Alvasileh*. Tehran: Institution for Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Mousavi Khomeini, S. R. (2007). *Tozih Al-masael* (1st Ed.). (In Persian)
- Najafi, M. H. (1983). *Jawaher Al-Kalam in explaining the laws Islam* (7th Ed.). (In Arabic)
- Poorabdollah, K., & Sorkhhesary, F. (2016). Jurisprudential and legal principle of the remuneration of housekeeping and the analysis of the religious duties of spouse. *Biannual Journal of Family Law And Jurisprudence*, 20(63), 69-94. <https://doi.org/10.30497/flj.2016.56652> (In Persian)
- Toosi, M. H. (1958). *Al-Mabsoot in Imami jurisprudence*. Vol. 3. (In Arabic)
- Toosi, M. H. (No date). *Tahzib Al-ahkam*. Vol. 2. Qom: Dar Alkotob Aleslamieh. (In Arabic)
- Toosi, M. H. (1986). *Alkhelef. Moassese nashr islami*. Vol. 1. (In Arabic)
- Vaseti Zobeidi, S. M. M. (1993). *Taj Al-Aroos a jewel of the dictionary* (1st Ed.). (In Arabic)
- Yamarli, S. (2019). Analysis of the wife's wages in Hanafi jurisprudence, Imamiyyah and family support law 2012. *Journal of Family Research*, 15(3), 393-409. (In Persian)
- Tabatabaei Yazdi, S. M. K. (1998). *Al-Urwah Al-Wuthqi regarding what is widespread in the affliction (Al-Mahshi)* (1st Ed.). (In Arabic)
- Zanjani, H., & Baghiat Esfahani, Z. (2014). The effect of employment and family life on satisfaction of the female teachers (Case Study: the employed teachers in District 1, Karaj). *Journal of Socio-Cultural Changes*, 10(4), 13-31. (In Persian)
- Greenhaus, J. H., & Beutell, N. J. (1985). Sources and conflict between work and family roles. *The Academy of Management Review*, 10(1), 76-88. <https://doi.org/10.2307/258214>
- Shabani Bahar, G., & Farahani, A., & Baghrian Fazel, F. (2012). Determining the relationship between work-family conflict and the quality of life of the presidents and vice-presidents of the sports boards of Hamedan province. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 8(15), 109-122. <https://doi.org/10.22080/jsmb.2012.423> (In Persian)

- Mohammadi Moghadam, Y., Moaiedi, A., & Keshtkar, E. (2015). Conflict between the drug enforcement police officers in the work and family environment. *Professional Drug Studies*, 7(26-27), 21-30. http://dles.jrl.police.ir/article_12736_bb368d03ddf96167b0d397ea817ebd93.pdf (In Persian)
- Khani, S., Daneshmehr, H., & Behzadinia, A. (2023). Work-Family conflict and attitudes towards marriage and childbearing: a study among employed women in Sanandaj City, Iran. *Journal of Population Association of Iran*, 18(35), 191-233. <https://doi.org/10.22034/jpai.2023.2004327.1289> (In Persian)

مقاله آماده انتشار